

**مرکز مدیریت حوزه های غیر حضوری علمیه خواهران
شورای عالی حوزه علمیه قم**

عنوان
بررسی ترجمه آیه ۲۶ سوره بقره از جهت رعایت ادب

نام محقق
شهرزاد فتح الهی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

امروزه جوامع مسلمان بیشماری وجود دارند که با زبان قران، عربی نا آشنا هستند و به این علت است که ترجمه قران کریم حائز اهمیت می شود. از آنجا که ترجمه های فراوانی از قران کریم ارائه نموده شده است انچه ضرورت دارد ان است که ترجمه که به مردم ارائه می شود دارای تمام اصول ومبانی وقواعد ترجمه باشد، رعایت ادب در ترجمه از جمله ان اصول می باشد. به عنوان مثال در آیه ۲۶ سوره بقره عبارت "ان الله لایستحی" را بیشتر مفسران بدون رعایت ادب به معنای خدا شرم نمی کند معنا نموده اند که این با اصول ترجمه منطبق نمی باشد .

کلید واژه: ترجمه، بقره، ادب، شرم، حیا

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
ترجمه آیه ۲۶ بقره از نظر مترجمان.....	۲
آیه ۲۶ بقره از نگاه مفسران بزرگ.....	۷
جمع بندی مباحث رعایت اصول ادب در آیه ۲۶ بقره.....	۱۰
نتیجه.....	۱۰
منابع.....	۱۱

مقدمه

یکی از قواعد و قانونی که حتما باید در ترجمه توسط یک مترجم ماهر رعایت شود، رعایت نمودن آداب در ترجمه می باشد. از آنجا که قرآن کریم کلام کسی است که در نهایت بلاغت و فصاحت می باشد، آداب در گفتار را در تمام کلام خود رعایت نموده است، پس بر یک مترجم واجب است کلام الهی را به همانگونه که هست انعکاس بدهد و تا جای که امکان دارد اینه تمام از قرآن کریم باشد. در نوشتار پیش رو به بررسی ترجمه آیه ۲۶ بقره از جهت رعایت آداب پرداخته شده است که البته بیشتر مترجمان به این مهم توجه نداشته اند و لغزش های بزرگ و اسباب زننده ای به ترجمه و معنا زده اند و به این جهت نتوانسته اند آداب در کلام الهی را انعکاس دهند.

رفع ابهام در تفهیم مطلب مورد نظر است. پس اگر «مشبه» بزرگ و با عظمت باشد، «مشبه به» و آنچه که به او تشبیه شده نیز بزرگ و عظیم است، و همین طور اگر «مشبه» حقیر و کوچک باشد، «مشبه به» نیز حقیر و ناچیز است. اگر کسی اشکال کند که چرا در فرمایش پیامبر اکرم (ص) که فرمود:

« خدا کریم و با حیاست و هر گاه بنده‌ای دست نیاز به سویش دراز کند، شرم دارد از این که او را دست خالی برگرداند و از فضل خویش چیزی به او عطا نکند.»

ان الله حی کریم یستحیی اذا رفع الید الیه یدیه ان یرد هما صفرا حتی یضع فیهما خیرا. «۱» خدای سبحان با وصف «حیا» توصیف شده است، در صورتی که «حیا» همراه با تغییر رنگ چهره و متأثر شدن در برابر چیزی است که مردم آن را عیب می‌دانند و انسان را بر انجام آن سرزنش می‌کنند؟ پاسخ این است که چنین توصیفی از باب تمثیل است. «حیاء» مشتق از «حیات» است، گفته می‌شود: «حیی الرجل» یعنی «آن مرد زیست» چنان که گفته می‌شود: «نسی «۲» وحشی «۳» و شطی «۴» الفرس: هنگامی که یکی از این اعضای اسب رنجور و بیمار شده باشد. در روایت فوق پیامبر (ص) «حیی» را بر چیزی اطلاق کرده است که موجب تأثیر و نقصان حیات است، و ناامید نکردن خداوند بنده را از بخشش خود به شخص کریمی تشبیه کرده است که هر گاه فرد نیازمندی دست نیاز به سوی او دراز کند از ناامید کردن وی شرم می‌کند.

و آیه شریفه هم معنایش چنین می‌شود که خداوند مانند دیگران که به سبب حقارت پشه از مثال زدن به آن شرم دارند، از این کار خودداری نمی‌کند.

در کتاب کشف زمخشری نیز به همین نکته اشاره شده است که از باب تمثیل "لایستحی" در آیه به کار رفته است و در این کتاب به یک نکته اضافه تر اشاره شده است و آن هم این است که این کلمه از باب مقابله و اطلاق جواب بر سؤال می باشد یعنی کلام خدا در جواب کفار است که سؤال می کنند آیا پروردگار محمد(ص) لایستحی نمی کند به پشه و عنکبوت مثال می زند که خداوند هم از باب مقابله جواب آنها را می دهد که این فن، فنی از بدیع در علم بلاغت است.^۲

۱. فضل بن حسن، طبرسی، جوامع الجامع، جلد ۱، قم، حوزه علمیه قم، بی تا، صفحه ۳۲ و ۳۳

۲. محمد بن عمر، زمخشری، کشف عن الحقایق، جلد ۱، بی جا، دارالکتاب العربی، بی تا، صفحه ۱۱۳

در تفسیر آیه ۲۶ بقره در کتاب تفسیر نمونه و المیزان اشاره خاصی به معنای این کلمه نشده است اما در ترجمه آیه از کلمه خدا شرم نی کند همانطور که قبلاً بیان شد استفاده نموده اند.

جمع بندی مباحث رعایت اصول ادب در آیه ۲۶ بقره

همانطور که بیان شد بیشتر مفسران کلمه "لایستحی" را به معنای شرم نمی کند در ترجمه خود به کار برده اند و تعدادی کم از مترجمان از کلمه بدتر که از اصول رعایت ادب بدور است، خدا حیا نمی کند استفاده نموده اند که در عرف عموم مردم استعمال مناسبی ندارد و برای افرادی به کار می رود که کار بسیار زشتی مرتکب شده اند و یا عده ای دیگر از مفسران از کلمه خدا پروا ندارد، ابا ندارد، باک ندارد استفاده نموده اند شاید این ترجمه های اخیر کمی خواسته اند سعی بنمایند تا ادب در ترجمه را رعایت کنند اما باز هم فاصله دور با ان اصل دارد اما با توجه به گفته ها مفسران مبنی بر این که کلمه حیا به معنی ترک و امتناع از کاری است که بخاطر ترس از اینکه ان کار پست و قبیح باشد بهتر است در ترجمه این کلمه در آیه شریف ۲۶ بقره از کلمه خدا امتناعی ندارد و یا مانند مترجم، عبدالحجّه بلاغی از کلمه خودداری نمی کند استفاده نماییم تا بدین وسیله از افت ترجمه های پیشین در امان باشیم.

نتیجه گیری

رعایت ادب در ترجمه یکی از محوری ترین اصول ها در ترجمه می باشد برای اینکه ترجمه انعکاسی از متن قران می باشد و خداوند کریم در تمام قران این اصل را رعایت نموده پس بر مترجم هم واجب است با توجه به این نکته ترجمه خوب و بدون آفتی را به مخاطب ارائه نماید و آیه ۲۶ سوره بقره یکی از این موارد است که مترجم باید به طور دقیق و نکته سنج پیش رود که البته بیشتر مترجمان در ترجمه این آیه از این اصل غافل بوده و این اصل را رعایت ننموده اند.

منابع

۱. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بی جا، استان قدس رضوی، بی تا.
۲. ارفع، کاظم، ترجمه قران، تهران، فیض کاشانی، ۱۳۸۱.
۳. آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قران، تهران، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴.
۴. بلاغی، عبدالمجید، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، قم، حکمت، ۱۳۸۶.
۵. خرم دل، مصطفی، تفسیر نور، تهران، احسان، ۱۳۸۴.
۶. ثقفی تهرانی، محمد، روان جاوید در تفسیر قران مجید، تهران، برهان، ۱۳۹۸ ه. ق.
۷. زمخشری، محمود بن عمر، کشف عن حقائق، بی جا، دارالکتاب العربی، بی تا.
۸. شاه ولی الله دهلوی، احمد بن عبدالرحیم، ترجمه قران، سراوان، نور، بی تا.
۹. صادق تهرانی، محمد، ترجمان قران، قم، شکرانه، ۱۳۸۸.
۱۰. صادق نوبری، عبدالمجید، ترجمه قران، تهران، إقبال، ۱۳۹۶ ه. ق.
۱۱. طاهری قزوینی، علی اکبر، ترجمه قران، تهران، قلم، ۱۳۸۰.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، ناصر خسرو، بی تا.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، قم، حوزه علمیه قم، بی تا.
۱۴. فولادوند، محمد، ترجمه قران، بی جا، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، بی تا.
۱۵. قریشی بنابی، علی اکبر، تفسیر أحسن الحديث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۵.
۱۶. قمشه آی، مهدی، ترجمه قران، فاطمه الزهرا، قم، ۱۳۸۰.
۱۷. کاویانپور، احمد، ترجمه قران، تهران، إقبال، ۱۳۷۲.

۱۸. مرکز فرهنگ و معارف قران، ترجمه قران، قم بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۱۹. مشکینی اردبیلی، علی، ترجمه قران، قم، هادی، ۱۳۸۱.
۲۰. معزی، محمد کاظم، ترجمه قران، قم، اسوه، ۱۳۷۲.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قران، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳.
۲۲. موسوی گرمارودی، علی، ترجمه قران، تهران، قدیانی، ۱۳۸۱.
۲۳. یاسری، محمود، ترجمه قران، قم، بنیاد فرهنگی امام مهدی (ع) ۱۴۱۵. ق.

